

مطالعه رابطه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها

بیژن زارع^۱، علی‌اکبر زندی‌لک^۲

(تاریخ دریافت ۸۹/۹/۱۴، تاریخ پذیرش ۹۰/۹/۳۰)

چکیده

با توجه به رابطه معکوسی که اغلب پیشینه نظری و تجربی خارجی بین توسعه و جرائم خشن نشان داده است، این پرسش مطرح شد که آیا در ایران روند مشابهی وجود داشته است؟ در این پژوهش فرض شد که هرچه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها در ایران بیشتر باشد، از میزان جرائم خشن کاسته می‌شود. برای تبیین مسئله تحقیق از نظریه‌های فشار ساختاری و خرده‌فرهنگ خشونت استفاده شده است. روش تحقیق این پژوهش روش آماری است که با استفاده از داده‌های ثانویه و رسمی انجام شده است. سطوح تحلیل این تحقیق در سطح کلان است و واحد تحلیل استان‌های کشور (۲۸ استان) است. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ است. برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های همبستگی پیرسون، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه مثبت و نسبتاً ضعیفی بین توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها وجود دارد، اما زمانی که هرکدام از اجزای تشکیل دهنده شاخص جرائم خشن (قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی) با توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن در رابطه گذاشته شدند، مشاهده شد که فقط قتل (که ۲/۲ درصد از کل شاخص جرائم خشن را در برمی‌گیرد) رابطه معکوسی با توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن دارد.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران dr_bizhanzare@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی zandi741@gmail.com

واژگان کلیدی: جرم، خشونت، جرائم خشن، قتل، ضرب و جرح، توسعه اقتصادی - اجتماعی، نظریه فشار ساختاری، نابرابری اجتماعی.

مقدمه و طرح مسئله

توسعه منطقه‌ای که از دهه ۱۹۶۰ برنامه اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است، رفاه و امنیت افراد، کاهش نابرابری، فقر و توزیع عادلانه فرصت‌های زندگی را در مرکز اهداف خود قرار داده بود. در واقع، تلاش توسعه منطقه‌ای بر آن بوده که بهترین امکانات و شرایط را برای افراد فراهم آورد و تفاوت‌های کیفیت زندگی بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای را به حداقل برساند و در نهایت از میان بردارد (مابوگونج، ۱۳۶۸: ۵۵). زیرا «بررسی‌ها نشان داده است فقدان امنیت و رفاه اجتماعی یا عدم برخورداری سطح وسیعی از مردم از متوسط امنیت و رفاه در جامعه، از جمله عوامل مهم در شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی تلقی می‌شود. امروزه، تمام تلاش‌هایی که برای توسعه اقتصادی و صنعتی در جهان صورت می‌گیرد به منظور افزایش رفاه و امنیت در جامعه است، زیرا فقدان امنیت و رفاه موجب بروز رفتارهای کجروانه و بزهکاری می‌شود و در نهایت به آسیب‌های اجتماعی منتهی می‌گردد. پیامد آسیب‌های اجتماعی بروز مسئله اجتماعی است که خود در نهایت به بحران اجتماعی و ناامنی اجتماعی منتهی می‌شود. به همین دلیل، تمام تلاش‌های سیاستمداران و مدیران جامعه و همچنین سوگیری در رشد اقتصادی به سمتی است که امنیت و رفاه اجتماعی را برای عموم فراهم آورد» (ناطق‌پور، ۱۳۸۶: ۶۶ - ۶۵).

اما شواهد موجود از کاربست الگوهای توسعه‌ای در کشورهای غیرصنعتی و جهان سوم، حاکی از آن است که بخش اعظم جمعیت در این کشورها با فقر دست به گریبان‌اند و از حداقل امکانات رفاهی محروم‌اند و نابرابری اجتماعی بیش از گذشته تشدید شده است (زاهدی، ۱۳۸۵: ۱۳). در ایران نیز برنامه‌های توسعه منطقه‌ای که از زمان رضاخان و تحت تأثیر الگوی نوسازی شکل گرفته بود به دلیل تأثیر شرایط طبیعی (توزیع منابع طبیعی، شرایط جوی و توزیع جمعیت)، عوامل انسانی (تصمیمات سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی کشور) و عوامل ساختاری منجر به شکاف‌هایی در برخورداری از فرصت‌های زندگی و عدم رفاه و امنیت در برخی استان‌ها شد (سلیمی‌فر، ۱۳۷۶: ۶۶ - ۶۵).

اهمیت و ضرورت مسئله

فرض کردن رابطه بین توسعه و خشونت پدیده‌ای جدید نیست، بلکه پیشینه آن به قرن نوزدهم برمی‌گردد. اما از دهه ۱۹۹۰ به بعد پرداختن به مسئله خشونت در مطالعات توسعه‌ای اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. این امر بیشتر ناشی از مشاهده تمرکز جرم و خشونت در کشورهای جنوب است؛ به طوری که بیشترین میزان خشونت (براساس میزان قربانیان) در قاره آفریقا و به دنبالش آمریکای لاتین دیده شد (مک‌ایلونی، ۱۹۹۹: ۴۵۳). از این رو، در سال‌های اخیر، موضوع جرائم خشن کانون توجه بسیاری از اندیشمندان حوزه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است.

در ایران نیز آمارهای ارائه شده از طریق مراکز رسمی نه تنها بیانگر این است که آسیب‌های اجتماعی سال به سال در کشور افزایش پیدا می‌کند، بلکه برخی از استان‌های کمتر توسعه یافته رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۳۷۶، به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، ۵۴۳/۹ پرونده در زمینه جرائم خشن (قتل عمد، ضرب و جرح، تخریب) در دادگاه‌های عمومی مختومه شده که به ۷۵۵ پرونده در سال ۱۳۸۰ رسیده است. درصد تغییرات سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۶، ۴۷/۶۵ درصد بیشتر را نشان می‌دهد^۱ و براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ میانگین قتل ۲/۴۵ مورد به ازای هر صد هزار نفر جمعیت استان‌ها است (کمترین مقدار ۱/۰۸ مورد و بیشترین مقدار ۶/۳۲ مورد) که رتبه اول به استان سیستان و بلوچستان (۶/۳۲ مورد) و سپس به کرمان (۴/۸۶ مورد)، کرمانشاه (۳/۹۹ مورد)، هرمزگان (۳/۸۸ مورد) و فارس (۳/۷۱ مورد) تعلق دارد.

در میان آسیب‌های اجتماعی، جرائم خشن اگرچه از نظر کمی درصد کمتری را به خود اختصاص داده است، به دلیل برجای گذاشتن هزینه‌های روحی و روانی، اجتماعی و اقتصادی سنگین و طولانی مدت (لبیبی، ۱۳۸۷: ۷) و همچنین به خاطر به خطر انداختن امنیت اجتماعی بسیار با اهمیت است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳). برای مثال، در انگلستان تنها ۱۰ درصد جرائم را می‌توان در زمره جرائم خشن محسوب کرد. در حالی که بیش از یک سوم هزینه‌ها به همین جرائم مربوط می‌شود، یا براساس برآوردی که صورت گرفته میانگین هزینه‌های سرقت اتومبیل کمتر از ۵ هزار پوند است، در حالی که هزینه ضرب و جرح‌ها حدود ۲۱ هزار پوند است (لبیبی، ۱۳۸۷: ۱۶). رابرت ال ایرس^۲ هزینه‌های جرم و خشونت را شامل کاهش سرمایه گذاری در

۱. ذکر این نکته نیز ضروری است که آمار پرونده‌های مختومه جرائم خشن نشان دهنده آمار واقعی خشونت در کشور نیست. زیرا بسیاری از خشونت‌های خانگی (همسرآزاری و کودک‌آزاری، سالمندآزاری)، ضرب و جرح‌ها و دعوای خیابانی و... اتفاق می‌افتد که در دادگاه‌ها ثبت نمی‌شوند.

2. Robert L. Ayres

زیرساخت‌های فیزیکی، فرسایش^۱ توسعه سرمایه انسانی، تخریب سرمایه اجتماعی و بلااثر کردن^۲ توانایی‌های دولت می‌داند (رابرت ال ایرس، ۱۹۹۸: ۸-۷) و اینگلاندر^۳ صرف‌نظر از درد و رنج قربانیان و هزینه‌های روانی برای اعضای خانواده به شش مورد از هزینه‌های مالی نیز اشاره کرده است:

۱. هزینه‌های معالجه‌ای برای قربانیان.

۲. از دست دادن قابلیت تولید به علت جراحات.

۳. هزینه‌های خدمات بهداشت روانی.

۴. هزینه‌های پلیس، خدمات اجتماعی و بازجویی‌ها^۴.

۵. حمایت‌های مالی از قربانیان.

۶. هزینه‌های تعقیب^۵ و زندانی‌کردن^۶ متخلفان (اینگلاندر، ۲۰۰۸: ۳).

با توجه به اینکه در ایران درباب رابطه بین سطح توسعه‌یافتگی و جرائم خشن هیچ تحقیقی صورت نگرفته است، مشخص کردن رابطه بین این دو در بین استان‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد، که در صورت مشخص شدن این رابطه، می‌توان با اتخاذ سیاست‌هایی مناسب نابرابری توسعه اقتصادی و اجتماعی را در بین استان‌ها کاهش داد و از وقوع جرائم خشن و سایر پیامدهای منفی توسعه نامتوازن پیشگیری کرد.

کارنامه واقعی فرایند توسعه‌جویی و نوسازی‌خواهی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بازگوی تشدید فواصل طبقاتی، افزایش فقر، کاهش امنیت غذایی عمومی، افزایش شدید جرایم خشن، گسترش جباریت و سلطه‌جویی حکومت‌ها، کاهش آزادی و انزوای بخش مهمی از جمعیت و گروه‌های اجتماعی، بخصوص گروه‌های کم درآمد و آسیب‌پذیر از فرایند توسعه است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۵: ۳-۲۸۲).

در کشور ما، توسعه و زیرساخت‌های آن در نواحی مختلف جغرافیایی کشور در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی و متمرکز گذشته، تفاوت شدیدی را در روند توسعه در مناطق مختلف کشور آشکار ساخته است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۳: ۵). علاوه بر این تحقیق، پژوهش‌های دیگری هرکدام از منظر خاص خود به سطح‌بندی درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور پرداخته‌اند که نتایج به‌دست آمده حاکی از تفاوت‌های عمده استان‌های مورد بررسی از حیث میزان

1. Erode
2. Vitiare
3. Englander
4. Investigations
5. Prosection
6. Incarceration

توسعه‌یافتگی است (محمودی و فیض‌پور، ۱۳۷۶؛ زبیری، ۱۳۷۹؛ حسینی، ۱۳۸۰؛ فرخلو و حبیبی، ۱۳۸۳).

زمینه نظری

گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن یکی از مباحث مهم جامعه‌شناسی امروز در اغلب کشورهای در حال توسعه است. تونیس این گذار را به صورت تغییر جهت از گمین‌شافت به گزل‌شافت معرفی می‌کند. در حالی که دورکیم آن را تغییر از انسجام مکانیکی به انسجام ارگانیکی در نظر می‌گیرد. مارکس آن را برحسب تغییر در وجه تولید و سطح فناوری تفسیر می‌کند. از دیدگاه وبر، این گذار معرف پیشرفت در جهت عقلانی‌سازی و افسون‌زدایی است. سرانجام، هابرماس آن را در قالب گذار از جامعه سنتی به مدرنیته تعریف می‌کند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۵: ۱۴).

در پنج‌دهه گذشته، کوشش‌های بسیاری در زمینه توسعه در کشورهای جهان سوم به عمل آمده است، اما اطلاعات منتشرشده حاکی از آن است که کاربست این الگوها اغلب منجر به تشدید نابرابری و گسترش فقر شده است (همان: ۱۶). تجربه و مطالعات نشان می‌دهند که کاربست سیاست‌های تعدیل ساختاری (دست‌کم در مراحل آغازین آن) از طریق کاهش قدرت خرید گروه‌های وسیعی از مردم شهرها و روستاها، به افزایش فقر و محرومیت و تشدید الگوهای نابرابری در جامعه منجر شده است (بانک جهانی، ۱۹۸۸؛ تونسنند، ۱۹۹۳).

تجربه نشان می‌دهد به کارگیری الگوهای توسعه بدون توجه به واقعیت‌های جوامع به تقویت مهارنشده‌ی و نقدناپذیری حاکمان در این قبیل نظام‌های اجتماعی که فرایند گذار از سنت به مدرنیته را از سر می‌گذرانند منجر شده است. ایجاد انحصار از طریق یک شبکه مناسب اجتماعی و شبه‌خویشاوندی ویژه که بیشتر مبتنی بر ساختارهای سازمانی شبه‌فئودالی است تا بوروکراسی‌های مدرن و عقلانی‌شده، منابع ارزشمند را به صورتی نابرابر در سطح جامعه توزیع می‌کند. این قدرت سیاسی جرگه‌ای و شخصی‌شده بیش از آنکه در خدمت توسعه ملی و واقعی باشد، برای تحصیل منزلت اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر این اساس به تخصیص غیربهبینه منابع در نظر گرفته‌شده برای توسعه می‌انجامد و نتیجه این وضع گسترش هرچه بیشتر فقر و تشدید نابرابری‌های اجتماعی است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۵: ۱۸).

تحول در نگرش‌ها و رویکردهای توسعه

سنتی‌ترین نگرش به فرایند توسعه که مربوط به اواخر دهه ۱۹۴۰ تا اوایل دهه ۱۹۶۰ است، توسعه را تنها در قالب توسعه اقتصادی و به معنای «رشد تولید ناخالص ملی» مورد توجه قرار می‌داد. اما، نخستین تحول در این رویکرد سنتی مربوط به دهه ۱۹۶۰ است که به دلایل ویژه بین‌المللی و از جمله به لحاظ مقابله با روند روبه‌رشد قلمرو فکری و جغرافیایی سوسیالیسم، اندیشه «رشد همراه با توزیع مجدد» بر نگرش و رویکرد توسعه مسلط شد. دومین تحول که در واقع نتیجه مستقیم و ادامه منطقی تحول نخست (توزیع مجدد درآمد) به شمار می‌آید، توجه به نیازهای اساسی جمعیت با الهام از الگوی غربی دولت‌های رفاه است. هدف این رویکرد که از اوایل دهه ۱۹۷۰ رواج یافت، تجدیدنظر در برنامه‌های توسعه بر مبنای اولویت‌بخشی به نیازهای اساسی جمعیت، به‌ویژه مردم فقیر، است. سرانجام، سومین تحول در رویکردهای توسعه که در واقع چرخشی جدی نسبت به تحولات یادشده یعنی «سنتی»، «توزیع مجدد درآمدها» و «نیازهای اساسی» به شمار می‌آید، توجه به مفهوم پایداری تحت تأثیر آثار نگران‌کننده گسترش فقر و تخریب محیط زیست و فشار فزاینده گروه‌های موسوم به «سبز» است.

در جریان تاریخی توسعه، رابطه‌ای مستقیم بین کیفیت سرمایه انسانی و طول تکامل ساختاری این کشورها به چشم می‌خورد. مفهوم «توسعه انسانی» شاخصی ترکیبی است که به منظور اندازه‌گیری میزان پیشرفت جوامع از طریق تلفیق نماگرهای امید زندگی، میزان تحصیلات و درآمد به صورت روش جدیدی در نخستین گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۰) مطرح شد. اگرچه، باید این نکته نیز مورد تأکید قرار گیرد که از سال ۱۹۹۳، شاخص توسعه انسانی برحسب موضوع نابرابری‌های اجتماعی تعدیل شده است (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۴).

اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به‌نحوی به پیامدهای زیان‌بار نابرابری‌های اجتماعی، به‌ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی جامعه، توجه کرده‌اند. جالب توجه اینکه اغلب آن‌ها با گرایش‌های نظری مختلف آثار نسبتاً یکسانی را برای جامعه پیش‌بینی کرده‌اند (دوک، ۱۹۷۶؛ کربو، ۱۹۸۳؛ کندی و همکاران، ۱۹۹۱؛ بوسول و دیکسون، ۱۹۹۳ و غیره). مهم‌ترین اثر بالقوه نابرابری ثروت که بیشتر نظریه‌ها به آن توجه دارند، خشونت و شورش است. تفاوت عمده دیدگاه‌ها بیشتر در مورد سازوکارهای بینابینی مابین نابرابری و خشونت است. کندی و همکاران می‌گویند که «نظریه‌های نابرابری بر آثار خصایل پایگاهی تأکید دارند. نابرابری در توزیع پاداش کنترل اجتماعی را بی‌ثبات می‌سازد و روابط بین‌شخصی را سست می‌کند. این امر سرانجام منجر به خشونت فزاینده می‌شود» (کندی و همکاران، ۱۹۹۱: ۳۹۸).

مسئله نیز به تبعیت از بلا و شوآرتز معتقد است که «نابرابری بیشتر یک منبع تضاد است» (مسئله، ۱۹۸۹: ۵۹۸). او همچنین فکر می‌کند که نابرابری سرانجام بین کسانی که خواهان کاهش آن هستند و آن‌ها که نفع شخصی‌شان حفظ نابرابری است، شکاف تولید می‌کند. نابرابری می‌تواند از طریق ایجاد تضاد توزیعی تبدیل به خصومت کلی و انتشاری شود و به شکل جرم و جنایت تجلی نماید یا اینکه اگر امکان تحرک سیاسی وجود داشته باشد تبدیل به خشونت شود و به صورت شورش تظاهر خارجی پیدا کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۵).

همان‌طور که واکاوی ادبیات مربوط نشان می‌دهد، تقریباً اکثر پژوهش‌های تجربی با دیدگاه‌های نظری متفاوت کم‌وبیش به این واقعیت اشاره دارند که نابرابری در ثروت مادی به‌ویژه نابرابری در درآمد می‌تواند موجبات بروز تضادهای توزیعی را در جامعه فراهم کند. این تضاد نیز می‌تواند به دو شکل نمود پیدا کند: یکی به صورت به اصطلاح تضاد انتشاری (یا کلی و غیرمشخص) مانند جرح و قتل و آدم‌کشی و دیگری به صورت تضاد سیاسی. هر دو شکل تضاد می‌توانند وفاق و انسجام اجتماعی را تحت شعاع قرار دهند. به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که نابرابری در درآمد و ثروت و تضادهای توزیعی بالا باشد، این‌ها خود می‌توانند زمینه عینی وفاق جامعه‌ای را محدود نمایند (همان: ۲۱۰).

به علاوه، گرچه نابرابری موضعی وجه غالب نظام‌های قشربندی در جوامع معاصر را تشکیل می‌دهد، می‌توان به لحاظ مفهومی نابرابری‌های دیگری را نیز از هم تمییز داد که بیشتر خاص کشورهای در حال گذار است. از جمله این نوع از نابرابری، می‌توان به نابرابری بیرونی اشاره کرد که برای اولین بار توسط دورکیم مطرح شد (لوکس، ۱۹۷۷: ۱۷).

در اساس، دورکیم دو نوع نابرابری را از هم تمییز می‌داد: یکی نابرابری بیرونی و دیگری نابرابری درونی. نابرابری‌های بیرونی براساس شرایط اجتماعی تولد بر افراد اعمال می‌شوند؛ یعنی آنچه امروز از آن تحت عنوان پایگاه محول یاد می‌شود. به نظر دورکیم، این نوع از نابرابری در جوامع ماقبل صنعتی غالب است (کریو، ۱۹۸۳).

در میان جامعه‌شناسان معاصر، بلا و شوآرتز به نحوی به این نوع نابرابری و پیامدهای آن توجه داشته‌اند. آن‌ها دو منبع تضاد بین شخصی را در جامعه از هم تمییز می‌دهند: برجستگی درون‌گروهی مازاد که در نظام ارزش ویژه گروه به طور اعم ریشه دارد و نابرابری که با پارامترهای تربیتی (منبع ارزشمند) همبستگی دارد (مسئله، ۱۹۸۹). برجستگی مازاد وضعیتی را به وجود می‌آورد که در آن رجحان‌های درون‌گروهی که با توجه به پارامترهای اسمی (نظیر جنس، سن، قومیت، مذهب و غیره) تعریف شده‌اند، منجر به حذف برون‌گروه‌ها می‌شوند.

مسئله در این مورد می‌نویسد تضاد آشکار احتمالاً با نابرابری پایگاهی تنها زمانی همراه می‌شود که پارامترهای اسمی برجسته با این نابرابری‌ها قوام پیدا کنند. افزون بر این، آن‌ها به این نکته توجه دارند که نابرابری‌های قوام‌یافته تمایل به تولید خشم محصور دارند که در خصومت انتشاری مثل جنایت و آدم‌کشی تجلی می‌نماید. مسنر اضافه می‌کند که براساس استدلال مزبور است که بلا و همکارانش این‌گونه فرضیه‌پردازی می‌کنند که سطوح جرم خشونت‌آمیز در اجتماعات شهری باید به طور مثبت با سطوح نابرابری نژادی در درآمد، به‌عنوان یک نمونه از قوام پارامترها، تغییر یابد. نابرابری نژادی در درآمد تولید خصومت انتشاری می‌کند که این حداقل تاحدی در خشونت جنایی ظاهر می‌شود (همان: ۵۹۸). بدین ترتیب، مسنر تبعیض اقتصادی را عدم امکان دسترسی به منابع اقتصادی براساس ویژگی‌های اجتماعی محول همچون نژاد، مذهب و قومیت تعریف می‌کند.

بر این اساس، وی دو فرضیه را مطرح می‌کند و به آزمون تجربی آن‌ها می‌پردازد. این دو فرضیه عبارت‌اند از: (۱) سطح تبعیض اقتصادی رابطه مستقیم با نرخ‌های دگرکشی در سطح ملی دارد (۲) سطح تبعیض اقتصادی پیش‌بین قوی‌تری برای نرخ‌های دگرکشی (قتل) است تا نابرابری در درآمد (همان: ۵۹۹). لازم است اشاره شود که نابرابری‌های بیرونی می‌تواند اشکال بسیار متنوعی به خود بگیرد. ضمن آنکه این نوع از نابرابری دارای پیامدهای ثانویه نیز هست. اول از همه اینکه منبع اصلی تعارضات قومی و فرهنگی را تشکیل می‌دهد که در صورت فراهم بودن شرایط می‌تواند به آسانی تبدیل به خشونت‌های سیاسی و خشونت‌های انتشاری از قبیل آدم‌کشی و قتل، دزدی و چپاول شود. به علاوه، تضادهای قومی و اجتماعی نیز می‌تواند به صورت مانعی جدی بر سر راه وفاق جامعه‌ای و تشکیل اجتماع جامعه‌ای عمل کند و جامعه را به سوی یک جامعه قطع‌ای خشونت‌زا سوق دهد. این وضعیت موجب بی‌سازمانی اجتماعی می‌شود. علت ریشه‌ای بی‌سازمانی اجتماعی، به طور کلی، تغییرات اجتماعی است. همین که تغییرات روی دهد، هماهنگی بخش‌های نظام اجتماعی مختل می‌شود. بی‌سازمانی اجتماعی برای افراد تولید فشار روانی می‌کند که خود موجب بی‌سازمانی شخصیتی (به‌عنوان مثال، بیماری روانی، الکلیسم و ارتکاب قتل و جرایم خشن و غیره) می‌شود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۹۸۷: ۵۱).

خلاصه آنکه بی‌سازمانی اجتماعی به شکست مقررات اشاره دارد. تغییرات اجتماعی معمولاً به‌عنوان علت اصلی و تغییرات تکنولوژیک، جمعیت‌شناختی و فرهنگی نیز به‌عنوان شرایط تسریع‌کننده بی‌سازمانی تلقی شده‌اند. بی‌سازمانی شخصیتی و عدم تعادل نظام اجتماعی از پیامدهای بی‌سازمانی محسوب می‌شوند. راه‌حل بی‌سازمانی برگرداندن اجزای نظام اجتماعی به حالت تعادل است.

پیشینه تحقیق

در قرن ۱۹ در جوامع غربی فرض بر این بود که میزان جرائم همراه با پیشرفت (که به طور گسترده‌ای با صنعتی‌شدن و شهرنشینی برابر فرض شده بود) افزایش پیدا می‌کند و به موازات این فرضیه، فرضیه دیگری بود که ماهیت جرم با توسعه یافته‌تر شدن جوامع تغییر می‌کند. به گونه‌ای که با توسعه یافتگی بیشتر جوامع جرائم مالی افزایش و در مقابل جرائم خشن کاهش پیدا می‌کند (مک‌ایلونی، ۱۹۹۹: ۴۵۴ - ۴۵۳؛ روگرس، ۱۹۸۹: ۳۱۴؛ آرتور و مارنن، ۱۹۹۵: ۱۹۸). تحقیقات متعدد در جوامع غربی و آمریکایی (جدول ۱) اغلب فرضیه‌های بالا را تأیید کردند و رابطه‌ای معکوس و منفی را بین توسعه یافتگی با جرائم خشن و خشونت نشان دادند. اما در ایران تحقیقات مستقیمی در این باره صورت نگرفته است و اگر مطالعاتی هم صورت گرفته به صورت جزئی بوده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از تحقیقات موجود درباره تأثیر توسعه بر میزان جرائم خشن

نام محقق	واحد / ابعاد تحلیل	نوع جرم	نتایج
هریس (۱۹۷۶)	شهرهای آمریکا / بین مقطعی	ضرب و جرح شدید ^۱	تأثیر منفی
دیگر (۱۹۸۰)	شهرهای آمریکا / بین مقطعی	جرائم خشن (داده‌های رسمی) جرائم خشن (بر اساس گزارش قربانیان)	تأثیر منفی تأثیر مثبت
بلا و بلا (۱۹۸۲)	حوزه‌های شهری / بین مقطعی	قتل عمد (داده‌های رسمی)	تأثیر مهمی ندارد تأثیر مهمی ندارد
فیلد و همکاران (۱۹۸۲)	حوزه‌های شهری / بین مقطعی	ضرب و جرح	تأثیر منفی
مسنر (۱۹۸۲)	حوزه‌های شهری / بین مقطعی	قتل عمد (داده‌های رسمی)	تأثیر مثبت
سمسون و کستلانو (۱۹۸۲)	محلله‌های آمریکا / پانل	جرائم خشن (بر اساس گزارش قربانیان)	تأثیر منفی
مسنر (۱۹۸۳)، ویلیامز ^۵ (۱۹۸۴)	حوزه‌های شهری / بین مقطعی	قتل (داده‌های رسمی)	تأثیر منفی
لافتین و پارکر (۱۹۸۵)	شهرهای آمریکا / بین مقطعی	قتل	تأثیر منفی
مسنر و تاردیف (۱۹۸۶)	محلله‌های منهن / بین مقطعی	قتل (داده‌های رسمی)	تأثیر منفی
کندی و همکاران (۱۹۹۱)	حوزه‌های شهری کشور کانادا	خشونت انتشاری (قتل) با استفاده از داده‌های رسمی دادگاهها	تأثیر منفی
مسنرو همکاران (۱۹۸۹)	۵۲ کشور (واحد مطالعه کشور)	قتل (با استفاده از داده‌های سازمان بهداشت جهانی و پلیس بین الملل)	تأثیر منفی

مأخذ: پترسون، ۱۹۹۱، جدول ۱، صفحه ۷۵۷؛ و چلیبی، ۱۳۷۵.

1. Cross - section
2. Aggravated assault
3. MSAs (metropolitan statistical areas)
4. Neighborhoods
5. Williams

چهارچوب نظری

با توجه به نتایج حاصل از مطالعات انجام شده می‌توان گفت بین سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق مختلف یک کشور و میزان جرائم خشن و به‌ویژه قتل رابطه معناداری وجود دارد. ضمن اینکه اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به‌نحوی بر پیامدهای زیان‌بار نابرابری‌های اجتماعی به‌ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی جامعه که بر اثر سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه رخ می‌دهند تأکید می‌کنند. جالب توجه اینکه اغلب این نظریه‌پردازان با گرایش‌های نظری مختلف آثار نسبتاً یکسانی را در این باب برای جامعه پیش‌بینی کرده‌اند. برای مثال، دورکیم از جامعه‌شناسان کلاسیک برای اولین بار دو نوع نابرابری را از هم تمییز می‌داد. یکی نابرابری بیرونی و دیگری نابرابری درونی. به نظر دورکیم، نابرابری بیرونی که بر اساس شرایط اجتماعی تولد بر افراد اعمال می‌شود، ریشه‌های اجتماعی جرم را به وجود می‌آورد. در بین جامعه‌شناسان معاصر، مسنر، بلا و شوارتز نیز هرکدام به‌نحوی به این نوع نابرابری و پیامدهای آن توجه کرده‌اند. آن‌ها معتقدند که نابرابری‌های قوام‌یافته ناشی از توسعه ناموزون در مناطق مختلف یک کشور تضاد آشکاری را به وجود می‌آورند که این امر فشار ساختاری را ایجاد می‌کند که نتیجه آن فراهم‌آوردن تمایل به تولید خشم محصور و در نتیجه بروز خشونت انتشاری است که تجلی آن جنایت و آدم‌کشی است. ضمن اینکه نابسامانی اجتماعی و نابرابری اقتصادی موجب بروز خشونت انتشاری یعنی دگرکشی (قتل)، به‌ویژه قتل در مناطق شهری، می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت تغییرات منطقه‌ای در نرخ‌های دگرکشی نتیجه عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در بین مناطق کشور است.

در این پژوهش نیز به نظر می‌رسد با ترکیب کردن نظریه‌هایی که در رویکرد ساختاری و فرهنگی مطرح شدند، بتوان به تبیینی نسبتاً جامع از جرائم خشن دست یافت. زیرا اغلب آن‌ها در این نکته اتفاق نظر دارند که فشارهای ساختاری چون فقر، محرومیت و نابرابری در برخورداری از مزایا و امکانات باعث ایجاد خشونت می‌شوند و خشونت راهی محسوب می‌شود که افراد طبقات پایین از آن برای رسیدن به خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. به‌ویژه بر اساس نظریه خرده‌فرهنگ خشونت، جرائم خشن و بخصوص قتل به طور عمده‌ای در میان افراد گروه‌هایی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایینی دارند اتفاق می‌افتد. بر اساس این دیدگاه، خشونت، ضرب و شتم و توسل به پرخاشگری پیامد برخی از محرک‌ها از قبیل فقر، محرومیت و نابرابری فرصت‌ها است که خود نتیجه سیاست‌های حاکم بر برنامه‌های توسعه هستند. می‌توان بر این اساس فرضیه‌های تحقیق را به شرح زیر ارائه داد:

فرضیه‌های اصلی تحقیق

۱. هرچه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها بیشتر باشد، میزان جرائم خشن کمتر می‌شود.
۲. همه ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و...) با میزان جرائم خشن رابطه معکوس دارند.

فرضیه‌های فرعی تحقیق

۱. هرچه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها بیشتر باشد، میزان قتل کمتر می‌شود.
۲. هرچه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها بیشتر باشد، میزان ضرب و جرح کمتر می‌شود.
۳. هرچه سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها بیشتر باشد، میزان نزاع‌های دسته‌جمعی کمتر می‌شود.
۴. همه ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و...) با میزان قتل رابطه معکوس دارند.
۵. همه ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و...) با میزان ضرب و جرح رابطه معکوس دارند.
۶. همه ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (فرهنگی و آموزشی، بهداشتی و...) با میزان نزاع‌های دسته‌جمعی رابطه معکوس دارند.
۷. توسعه‌یافتگی استان‌ها در بعد شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی (میزان شهرنشینی، میزان اشتغال، میزان باسوادی) نسبت به سایر ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی، با میزان جرائم خشن (قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی) رابطه منفی قوی‌تری دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش روش آماری است که با استفاده از داده‌های ثانویه^۱ و رسمی به انجام رسیده است. سطوح تحلیل این تحقیق در سطح کلان است و واحد تحلیل استان‌های کشور (۲۸ استان) می‌باشد. دوره زمانی مورد مطالعه سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ می‌باشد. برای سنجش توسعه‌یافتگی استان‌ها از روش استاندارد کردن^۲ برای رفع اختلاف مقیاس شاخص‌ها استفاده شده است. «در این روش با تقسیم کردن انحراف مقادیر صفت از میانگین به انحراف معیار، مقادیر اصلی استاندارد شده و متغیرها از مقیاس رها شده و با جمع جبری مقادیر استاندارد شده شاخص ترکیبی به دست آمده است» (کلاتری، ۱۳۸۰: ۱۲۶). در آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی پیرسون، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

مفاهیم و شاخص‌های مربوط به متغیر مستقل

تعریف توسعه اقتصادی - اجتماعی: توسعه اقتصادی - اجتماعی فرایندی است که در طی آن شالوده‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه به گونه‌ای دگرگون می‌شود که نتیجه این دگرگونی و تحول در درجه اول کاهش نابرابری‌های اقتصادی، تغییرات در توزیع و الگوی مصرف، فقرزدایی، آموزش، بهداشت، مسکن و تغییراتی در زمینه‌های تولید و ساختار اشتغال خواهد بود» (نوربخش، ۱۳۸۵: ۶۷)، یا به عبارت خلاصه‌تر، «توسعه اقتصادی - اجتماعی مجموعه به هم پیوسته‌ای از تغییرات، از جمله رشد تولید، بهبود سطح بهداشت و امید به زندگی، رفاه مادی بیشتر، ارتباطات گسترده‌تر و پیچیدگی اجتماعی بیشتر است» (ولزل، ۱۳۸۲: ۳).

شاخص‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی

توسعه اقتصادی اجتماعی استان‌ها - توسعه بهداشتی (۱ الی ۱۲)، توسعه فرهنگی و آموزشی (۱۳ الی ۲۲)، توسعه زیربنایی (۲۳ الی ۳۳)، توسعه صنعتی (۳۴ الی ۴۱)، توسعه شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی^۲ (۴۲ الی ۴۴) - با استفاده از ۴۴ شاخص^۱ مورد سنجش قرار گرفته است.

1. Secondary data

2. Standardized score

۳. این سه شاخص با وجود همپوشی با سایر شاخص‌های ابعاد توسعه، به طور جداگانه تحت عنوان شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی محاسبه شده است. زیرا از یک سو، در مرکز آمار ایران این سه شاخص در بین سایر شاخص‌ها تحت همین عنوان آمده است و از سویی دیگر، در اغلب تحقیقات پیشین خارجی و داخلی این سه شاخص نسبت به سایر شاخص‌ها به صورت نسبتاً دائم مورد استفاده قرار گرفته و از عوامل تأثیرگذار بر جرائم خشن محسوب می‌شوند.

گفتنی است تحقیقات دیگری درباره‌ی اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی کشور انجام شده است که هرکدام تعدادی از شاخص‌ها و متغیرها را با توجه به ابعاد مورد نظر خود مورد استفاده قرار داده‌اند و در این باب همبستگی درونی این شاخص‌ها را از طریق آلفای کرونباخ و مدل تاکسونومی و تحلیل عاملی محاسبه کرده‌اند. از جمله کرامت‌الله زیاری (۲۳) شاخص برای اندازه‌گیری میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های کشور، حاتم حسینی (۱۵) شاخص برای اندازه‌گیری رابطه مرگ و میر و توسعه در استان‌های کشور، و احمد پوراحمد و همکاران (۳۵) شاخص برای بررسی روند تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور در دوره زمانی ۱۳۸۲ - ۱۳۶۵ استفاده کرده‌اند که به طور عمده با اکثر شاخص‌های زیر اشتراک دارند. در عین حال، در این تحقیق برای دقت بیشتر در حدود ۹ شاخص دیگر به شاخص‌های فوق اضافه گردیده است. این شاخص‌ها در اصل گزارش در کتابخانه دانشگاه تربیت معلم موجود است.

مفاهیم و شاخص‌های مربوط به متغیر وابسته

تعریف جرائم خشن:^۲ اصطلاحات خشونت،^۳ پرخاشگری^۴ و جرائم خشن اغلب به جای همدیگر به کار می‌روند، ولی اختلاف معنایی زیادی دارند (شورت جی آر، ۱۹۹۷: ۱). خشونت مفهومی پویا و سیال^۵ است که اجماع^۶ معنایی فی‌نفسه‌ای^۷ (مستقیمی) ارائه نمی‌کند. سازمان جهانی مبارزه با شکنجه^۸ تعریف مؤثری از خشونت ارائه کرده است که به تمامی ابعاد خشونت به‌عنوان یک مفهوم توجه کرده است. در معنای محدود خشونت به‌عنوان استعمال غیرقانونی از نیروی فیزیکی اطلاق می‌شود و در معنای وسیع خشونت به‌عنوان آسیب‌هایی (صدمه‌هایی) است که به‌وسیله ساختارهای نابرابر در جامعه ایجاد شده است (وود، ۲۰۰۵: ۳). خشونت و پرخاشگری هر دو طبقات بسیار کلی از رفتار را نسبت به جرائم خشن دربرمی‌گیرد. وجه تمایز جرائم خشن از پرخاشگری و خشونت در این است که جرائم خشن به‌وسیله حقوق جزا^۹ منع می‌شود؛ زیرا بر اساس حقوق جزاست که طبقات خاصی از رفتار جرائم خشن تعریف می‌شود (شورت جی آر، ۱۹۹۷: ۱). بنابراین، تعریف

۱. اطلاعات مربوط به این ۴۴ شاخص از مرکز آمار ایران اخذ شده است.

1. Violent crime
3. Violence
4. Aggression
5. Fluid
6. Consensus
7. Per se
8. World Organization Against Torture
9. Criminal law

جرائم خشن در هر جامعه‌ای با توجه به نظام حقوقی آن متمایز است. از این رو، در نظام قضایی و انتظامی ایران قتل عمد، ضرب و جرح و تخریب در زمره جرائم خشن محسوب می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

شاخص‌های مربوط به جرایم خشن

در این تحقیق، شاخص جرائم خشن به دو شیوه مورد توجه قرار گرفته است: (۱) براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی (۲) براساس پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی. همچنین از انواع گوناگون جرائم خشن برحسب موجود بودن اطلاعات فقط به سه شاخص قتل، نزاع‌های دسته‌جمعی و ضرب و جرح پرداخته شده است.

قتل:^۱ قتل به معنای کشتن یک شخص توسط شخص دیگر است یا به عبارت دقیق‌تر جان کسی را عمداً و به طور غیرقانونی گرفتن (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۳-۱۹۲؛ صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۲۴). «در تعیین قلمرو قتل در جامعه‌شناسی انحرافات می‌توان گفت قتل یکی از انواع جرائم خشونت‌آمیز است که در آن آسیب رساندن و صدمه وارد کردن با هدف نابودی جسمانی و تباه ساختن و از بین بردن فرد یا افراد خاصی انجام می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۹۴). با اینکه احتمال به قتل رسیدن در مقایسه با سایر جرائم خشن کمتر است، اما خطرناک‌ترین و جدی‌ترین نوع آن است، زیرا آسیب وارده از آن بر قربانی به هیچ روی قابل جبران نیست و هزینه‌های بی‌شماری را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۴).

نزاع دسته‌جمعی:^۲ «نزاع دسته‌جمعی یکی از شاخص‌های مهم وجود خشونت در جامعه تلقی می‌شود که علت آن عمدتاً اختلافات قومی و قبیله‌ای یا عقیدتی و اخلاقی بین جمعی از افراد است که در آن علاوه بر ضرب و جرح، آسیب‌رسانی و تخریب ممکن است یک یا چند نفر به قتل برسند» (همان: ۱۲۰).

ضرب و جرح:^۳ «هرگونه ضایعه‌ای در عضو چنانچه توأم با خونریزی و از بین رفتن نسج باشد، جرح نامیده می‌شود. در صورتی که ضایعه ایجادشده منجر به خونریزی نشده باشد، هرچند در داخل بدن شکستگی ایجاد شده باشد، ضرب نامیده می‌شود» (مرکز آمارایران، سالنامه آماری سال ۱۳۸۰).

1. Homicide
2. Collective disputes
3. Assault

یافته‌های توصیفی

توصیف متغیرهای مستقل: مطابق تقسیمات اداری و سیاسی، ایران در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ دارای ۲۸ استان بوده است. برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها و ابعاد آن برای سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰ از ۴۴ شاخص استفاده شده است. سپس با ترکیب درجه توسعه‌یافتگی این دو سال و احتساب میانگین آن‌ها درجه توسعه‌یافتگی استان‌ها در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به دست آمده است.

جدول ۲: سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور براساس شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی ۱۳۷۶-۱۳۸۰

نام استان	توسعه بهداشتی		توسعه آموزشی و فرهنگی		توسعه زیربنایی		توسعه صنعتی		توسعه در بخش شاخص‌های منتخب		توسعه	
	R**	CI	R	CI	R	CI	R	CI	R	CI	R	CI
آذربایجان ش	۱۶	-۲/۸۹	۱۴	-۰/۴۴	۱۳	-۰/۰۵	۱۴	-۰/۱۷	۸	۱/۴۱	۸	-۲/۰۵
آذربایجان غ	۲۷	-۶/۸۹	۲۶	-۵/۱۸	۲۲	-۴/۱۸	۲۰	-۱/۸۰	۲۳	-۱/۸۹	۲۳	-۱۹/۹۳
اردبیل	۲۱	-۴/۰۲	۱۲	۰/۳۹	۱۹	-۲/۶۰	۲۷	-۴/۱۷	۲۴	-۱/۹۰	۲۴	-۱۲/۳۰
اصفهان	۶	۶/۱۵	۷	-۲/۵۷	۱۸	۳/۷۰	۶	-۱/۶۶	۴	۳/۳۹	۴	۱۲/۳۳
ایلام	۱۴	-۲/۴۸	۲	۲/۸۳	۲۰	-۲/۷۲	۲۵	-۳/۷۶	۲۰	-۱/۳۳	۲۰	-۷/۷۴
بوشهر	۸	۱/۲۷	۱۰	۱/۷۳	۱۷	-۲/۱۴	۱۸	-۱/۰۹	۱۰	۰/۴۵	۱۰	-۰/۳۲
تهران	۱	۲۷/۹۳	۱	۱۲/۹۸	۱	۲۱/۱۶	۹	۰	۱	۴/۵۰	۱	۷۵/۵۷
چهارمحال	۷	۵/۰۸	۵	۳/۰۱	۱۲	۱/۳۶	۱۵	-۰/۵۲	۱۶	-۰/۴۰	۱۶	۸/۵۱
خراسان	۱۹	-۳/۹۵	۲۳	-۳/۳۹	۲۱	-۳/۲۴	۲۱	-۳/۶۰	۲۴	۰/۶۸	۹	-۱۳/۵۱
خوزستان	۲۲	-۴/۲۶	۲۵	-۴/۱۱	۱۴	-۰/۵۲	۱۰	۰/۶۰	۱۴	-۰/۱۲	۱۴	-۸/۴۱
زنجان	۱۳	-۲/۴۷	۸	۲/۱۸	۱۵	-۰/۵۸	۱۵	۰/۰۵	۱۳	-۰/۲۹	۱۵	-۱/۱۲
سمنان	۳	۹/۳۹	۳	۵/۰۷	۲	۷/۸۱	۲	۵/۲۵	۴	۲/۷۶	۵	۳۰/۲۸
سیستان	۲۸	-۹/۱۳	۲۸	-۱۰/۲۰	۲۸	۱۶/۱۴	۲۸	-۶/۱۶	۲۸	-۵/۱۸	۲۸	-۴۶/۸۱
فارس	۱۸	-۳/۰۳	۱۸	-۱/۶۶	۱۶	-۰/۶۳	۱۶	-۳/۵۷	۲۳	۰/۲۷	۱۲	-۸/۶۳
قزوین	۲۰	-۳/۹۵	۲۰	-۲/۵۸	۱۹	۲/۱۴	۱۰	۸/۰۱	۲	۱/۴۳	۷	۵/۰۵
قم	۱۰	۰/۲۱	۱۰	-۲/۹۵	۲۲	۲/۴۰	۷	۱/۴۹	۷	۳/۹۴	۲	۶/۰۹
کردستان	۲۳	-۴/۸۲	۱۷	-۱/۹۸	۲۳	-۴/۲۱	۲۳	-۱/۰۴	۱۷	-۳/۰۶	۲۷	-۱۵/۱۰
کرمان	۱۵	-۲/۸۵	۱۱	۱/۳۵	۱۱	-۶/۴۰	۲۶	-۲/۳۵	۲۱	-۰/۴۸	۱۸	-۱۰/۷۴
کرمانشاه	۱۱	-۱/۴۹	۲۴	-۳/۵۵	۲۴	-۲/۱۶	۱۸	-۳/۲۱	۲۲	-۱/۶۰	۲۱	-۱۲/۰۱
کهگیلویه	۱۷	-۲/۹۴	۹	۲/۰۸	۹	-۶/۲۰	۲۵	-۰/۵۹	۱۶	-۱/۷۴	۲۲	-۹/۲۱
گلستان	۲۵	-۶/۰۳	۲۱	-۲/۸۱	۲۱	۲/۱۳	۱۱	۱/۱۹	۹	-۰/۴۷	۱۷	-۵/۹۸
گیلان	۵	۶/۲۲	۲	۱۱/۶۵	۳	۶/۴۰	۳	۱/۴۳	۸	۰/۱۲	۱۳	۲۵/۸۳
لرستان	۲۴	-۵/۷۱	۲۰	-۲/۷۹	۲۰	-۴/۹۰	۲۴	-۱/۶۷	۱۹	-۲/۵۶	۲۵	-۱۷/۶۲
مازندران	۲	۱۰/۷۵	۴	۴/۴۵	۵	۵/۵۴	۵	۰/۴۸	۱۱	۰/۴۴	۱۱	۲۱/۶۷
مرکزی	۹	۰/۲۲	۱۵	-۱/۱۴	۹	۲/۴۰	۹	۵/۷۸	۳	۱/۴۴	۶	۸/۶۹
هرمزگان	۲۶	-۶/۱۴	۲۷	-۵/۶۵	۲۷	-۸/۶۷	۲۷	-۴/۱۵	۲۶	-۲/۷۵	۲۶	-۲۷/۳۶
همدان	۱۲	-۲/۲۸	۱۳	۰/۳۹	۱۳	۳/۲۱	۸	۰/۲۴	۱۲	-۰/۷۱	۱۹	۰/۸۴
یزد	۴	۸/۱۱	۶	۲/۸۸	۴	۵/۸۴	۴	۲/۶۸	۵	۳/۶۵	۳	۲۳/۱۷

*. مأخذ: محاسبات نگارنده

** سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها از بیشترین (۱) تا کمترین (۲۸) رتبه‌بندی شده است.

1. Composite index
2. Rank

براساس اطلاعات مندرج در جدول ۲ استان‌های تهران، سمنان، گیلان، یزد و مازندران به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، لرستان و کردستان به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌های ایران است.

در بخش توسعه بهداشتی استان‌های تهران، مازندران، سمنان، یزد و گیلان به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، آذربایجان غربی، هرمزگان، گلستان و لرستان به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌هاست. در بخش توسعه فرهنگی و آموزشی استان‌های تهران، گیلان، سمنان، مازندران و چهارمحال و بختیاری به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، آذربایجان غربی، خوزستان و کرمانشاه به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌هاست. در بخش توسعه زیربنایی استان‌های تهران، سمنان، گیلان، یزد و مازندران به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و لرستان به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌هاست. در بخش توسعه صنعتی استان‌های تهران، قزوین، مرکزی، سمنان، یزد به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، اردبیل، هرمزگان، ایلام و خراسان به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌هاست. در بخش توسعه شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی استان‌های تهران، قم، یزد، اصفهان و سمنان به ترتیب توسعه‌یافته‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان، لرستان و اردبیل به ترتیب کم‌توسعه‌یافته‌ترین استان‌هاست.

توصیف متغیرهای وابسته

شاخص جرائم خشن در این پژوهش به دو شیوه مورد سنجش واقع شده است:

۱. براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی.
۲. براساس پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور.

جرائم خشن براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی

در این شیوه، شاخص جرائم خشن از ترکیب میزان قتل، ضرب و جرح و نزاع‌های دسته‌جمعی به‌ازای هر صدهزار نفر از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به دست آمده است که در جدول ۳ توزیع فراوانی آن ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین جرائم خشن به ازای هریک صد هزار نفر از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰
(براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی)

استان	قتل*		نزاع جمعی**		ضرب و جرح***		جرائم خشن	
	رتبه	میانگین	رتبه ^۱	میانگین	رتبه	میانگین ^۲	رتبه	میانگین
آذربایجان ش	۲۶	۵/۰۶	۲۵	۱۱۰/۷۳	۱۵	۱۱۷/۱۳	۱۶	۱۱۷/۱۳
آذربایجان غ	۷	۱۰/۲۴	۱۳	۱۳۲/۹۲	۱۱	۱۴۶/۱۳	۱۱	۱۴۶/۱۳
اردبیل	۲۸	۱۰/۸۶	۱۲	۳۲۲/۱۹	۱	۳۳۴/۱۳	۱	۳۳۴/۱۳
اصفهان	۱۸	۱۶/۶۰	۶	۱۲۱/۹۱	۱۲	۱۴۰/۲۸	۱۲	۱۴۰/۲۸
ایلام	۶	۱۴/۴۶	۸	۳/۵۸	۲۸	۲۱/۶۳	۲۶	۲۱/۶۳
بوشهر	۱۰	۴/۰۶	۲۶	۴/۲۳	۲۷	۱۰/۸۱	۲۸	۱۰/۸۱
تهران	۱۴	۱۳/۵۶	۹	۱۶۷/۲۴	۵	۱۸۳/۰۷	۵	۱۸۳/۰۷
چهارمحال	۲۵	۱۴/۶۰	۷	۱۷۷/۶۵	۳	۱۹۳/۶۰	۴	۱۹۳/۶۰
خراسان	۱۲	۵/۱۲	۲۴	۱۷۲/۸۲	۴	۱۸۰/۳۹	۶	۱۸۰/۳۹
خوزستان	۲۰	۱۸/۴۴	۳	۸۳/۰۴	۱۸	۱۰۳/۰۹	۱۸	۱۰۳/۰۹
زنجان	۲۲	۲/۸۲	۲۸	۱۵/۰۵	۲۵	۱۹/۴۰	۲۷	۱۹/۴۰
سمنان	۹	۲۴/۸۴	۲	۱۳۷/۰۹	۹	۱۶۴/۵۲	۷	۱۶۴/۵۲
سیستان	۱	۷/۰۴	۲۰	۱۲/۹۹	۲۶	۲۶/۳۴	۲۵	۲۶/۳۴
فارس	۵	۸/۵۲	۱۶	۱۳۳/۹۴	۱۰	۱۴۶/۲۴	۱۰	۱۴۶/۲۴
قزوین	۱۷	۷/۵۲	۱۷	۲۱/۸۱	۲۲	۳۱/۱۲	۲۳	۳۱/۱۲
قم	۱۱	۱۸/۲۷	۴	۱۰/۵۹	۱۶	۱۲۲/۳۰	۱۴	۱۲۲/۳۰
کردستان	۱۵	۵/۵۶	۲۳	۱۱۲/۰۴	۱۳	۱۱۹/۷۵	۱۵	۱۱۹/۷۵
کرمان	۲	۳۱/۲۲	۱	۱۶۶/۶۷	۶	۲۰۲/۷۶	۳	۲۰۲/۷۶
کرمانشاه	۳	۱۰/۱۸	۱۴	۲۲/۳۸	۲۱	۴۶/۵۵	۲۱	۴۶/۵۵
کهگیلویه	۱۳	۱۷/۳۴	۵	۱۱۱/۵۹	۱۴	۱۳۱/۲۴	۱۳	۱۳۱/۲۴
گلستان	۲۴	۳/۱۳	۲۷	۴۵/۷۱	۲۰	۵۰/۲۸	۲۰	۵۰/۲۸
گیلان	۲۷	۷/۰۲	۲۱	۲۲۶/۴۳	۲	۲۳۴/۷۳	۲	۲۳۴/۷۳
لرستان	۸	۹/۵۲	۱۵	۱۹/۲۵	۲۳	۳۱/۴۲	۲۲	۳۱/۴۲
مازندران	۱۹	۶/۶۰	۲۲	۵۵/۲۷	۱۹	۶۳/۵۰	۱۹	۶۳/۵۰
مرکزی	۲۱	۱۲/۴۲	۱۱	۱۴۹/۶۲	۷	۱۶۳/۶۱	۸	۱۶۳/۶۱
هرمزگان	۲۴	۷/۱۴	۱۹	۱۷/۰۶	۲۴	۲۸/۰۸	۲۴	۲۸/۰۸
همدان	۱۶	۷/۲۲	۱۸	۱۴۳/۹۸	۸	۱۵۳/۱۰	۹	۱۵۳/۱۰
یزد	۲۳	۱۳/۳۲	۱۰	۹۸/۵۶	۱۷	۱۱۳/۴۱	۱۷	۱۱۳/۴۱

*. مأخذ: صدیق سروسناتی ۱۳۸۷، جدول صفحه ۱۲۶ و ۱۲۷.

** .مأخذ: همان: جدول صفحه ۱۲۱.

***. مأخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور مربوط به سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰.

۱. رتبه‌بندی از بیشترین (۱) تا کمترین (۲۸) انجام شده است.

۲. به دلیل عدم دسترسی به آمار سال‌های ۱۳۷۶، ۱۳۷۷ به ناچار از میانگین آمارهای سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ استفاده شده است.

براساس آمارهای مندرج در این جدول در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰، رتبه اول جرائم خشن (۳۳۴/۱۳) مورد جرائم خشن به ازای هر صد هزار نفر جمعیت استان با میانگین پنج سال) به

استان اردبیل تعلق دارد و پس از آن استان‌های گیلان (۲۳۴/۷۳ مورد)، کرمان (۲۰۲/۷۶ مورد)، چهارمحال و بختیاری (۱۹۳/۶۰ مورد) و تهران (۱۸۳/۰۷ مورد) قرار می‌گیرند. کمترین میزان جرائم خشن نیز به ترتیب به استان‌های بوشهر (۱۰/۸۱ مورد)، زنجان (۱۹/۴۰ مورد)، ایلام (۲۱/۶۳ مورد)، سیستان (۲۶/۳۴ مورد) و هرمزگان (۲۸/۰۸ مورد) مربوط می‌شود. در مورد قتل رتبه اول به استان سیستان و بلوچستان (۶/۳۲ مورد) و سپس به کرمان (۴/۸۶ مورد)، کرمانشاه (۳/۹۹ مورد)، هرمزگان (۳/۸۸ مورد) و فارس (۳/۷۱ مورد) تعلق دارد و کمترین میزان قتل به ترتیب به استان‌های اردبیل (۱/۰۸ مورد)، گیلان (۱/۲۷ مورد)، آذربایجان شرقی (۱/۳۳ مورد)، چهارمحال و بختیاری (۱/۳۴ مورد) و گلستان (۱/۴۴ مورد) تعلق دارد. در مورد نزاع دسته‌جمعی رتبه اول به کرمان (۳۱/۲۲ مورد) و سپس به ترتیب به استان‌های سمنان (۲۴/۸۴ مورد)، خوزستان (۱۸/۴۴ مورد)، قم (۱۸/۲۷ مورد) و کهگیلویه و بویر احمد (۱۷/۳۴ مورد) تعلق دارد و کمترین میزان نزاع دسته‌جمعی به ترتیب به استان‌های زنجان (۲/۸۲ مورد)، گلستان (۳/۱۳ مورد)، بوشهر (۴/۰۶ مورد)، آذربایجان شرقی (۵/۰۶ مورد) و خراسان (۵/۱۲ مورد) مربوط می‌شود. در مورد ضرب و جرح بیشترین تعداد به ترتیب مربوط به استان‌های اردبیل (۳۲۲/۱۹ مورد)، گیلان (۲۲۶/۴۳ مورد)، چهارمحال و بختیاری (۱۷۷/۶۵ مورد)، خراسان (۱۷۲/۸۵ مورد) و تهران (۱۶۷/۲۴ مورد) مربوط می‌شود و کمترین ضرب و جرح به استان‌های ایلام (۳/۵۸ مورد)، بوشهر (۴/۲۳ مورد)، سیستان (۱۲/۹۹ مورد)، زنجان (۱۵/۰۵ مورد) و هرمزگان (۱۷/۰۶ مورد) مربوط می‌شود.

جرائم خشن براساس پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور

در این شیوه، شاخص جرائم خشن از ترکیب پرونده‌های مختومه قتل عمد، ضرب و جرح و تخریب به‌ازای هر صد هزار نفر از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به‌دست آمده است که در جدول ۴ اطلاعات مربوط به آن ارائه شده است.

مطالعه رابطه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها

جدول ۴. توزیع پرونده‌های مخومه جرائم خشن در دادگاه‌های عمومی کشور از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ (در صدهزار نفر)

نام استان	۱۳۷۶		۱۳۷۷		۱۳۷۸		۱۳۷۹		۱۳۸۰		میانگین
	رتبه	تعداد	رتبه	تعداد	رتبه	تعداد	رتبه	تعداد	رتبه	تعداد	
آذربایجان ش	۱۰	۵۹۴/۵	۹	۶۴۷/۱	۱۴	۶۰۶/۸	۱۲	۶۲۰	۱۳	۶۳۲/۱	۱۳
آذربایجان غ	۸	۶۴۲/۷	۱۰	۶۲۴/۹	۱۱	۶۲۲/۶	۱۳	۶۲۶/۶	۱۵	۶۳۲/۷	۱۲
اردبیل	۴	۶۹۹/۲	۳	۷۹۳/۱	۲	۸۳۰/۶	۲	۱۰۲۱/۵	۶	۸۵۳/۴	۳
اصفهان	۱۶	۴۶۸/۶	۱۷	۵۶۲/۸	۲۲	۵۰۴/۴	۲۲	۵۲۸/۷	۲۱	۵۲۶	۲۱
ایلام	۲	۸۴۹/۶	۵	۷۱۹/۸	۴	۸۱۵/۹	۹	۷۷۴/۸	۸	۸۰۵/۳	۵
بوشهر	۲۴	۳۲۷/۴	۲۷	۳۰۹/۳	۲۷	۳۵۱/۷	۲۷	۲۸۸/۳	۲۴	۳۶۹/۷	۲۷
تهران	۱۹	۴۳۷/۷	۲۱	۴۷۰/۸	۱۶	۵۷۱/۳	۶	۸۰۰/۹	۳	۶۵۶/۳	۹
چهارمحال	۶	۶۵۵/۸	۱۱	۶۲۶/۶	۷	۷۱۹/۲	۱۰	۷۷۴	۵	۷۴۳/۸	۷
خراسان	۵	۶۷۷/۵	۷	۶۹۰/۳	۸	۷۰۵/۷	۷	۷۹۰/۷	۹	۷۳۹/۵	۸
خوزستان	۲۱	۴۲۳/۳	۲۴	۴۵۴/۸	۲۳	۴۶۲/۸	۲۳	۴۹۴/۵	۱۸	۴۹۲/۶	۲۳
زنجان	۱۴	۵۵۵	۲۲	۴۶۹/۸	۲۴	۴۵۶	۲۴	۴۵۶/۱	۲۲	۴۹۱	۲۴
سمنان	۳	۷۹۸/۶	۲	۸۴۹/۵	۳	۸۱۷/۳	۴	۸۵۷/۸	۴	۸۵۹	۲
سیستان	۲۵	۲۲۱	۲۸	۲۳۷/۲	۲۸	۲۶۱/۷	۲۸	۲۶۳/۴	۲۷	۳۱۱/۷	۲۸
فارس	۱۸	۴۵۰	۲۳	۴۶۹/۲	۲۱	۵۰۸/۷	۲۰	۵۷۳/۲	۱۴	۵۳۲/۳	۲۰
قزوین	۲۶	۱۹۱	۲۵	۴۲۰/۹	۲۵	۴۱۲/۲	۲۶	۳۹۳/۹	۲۵	۳۷۷/۸	۲۶
قم	۱۵	۴۸۶/۵	۱۹	۵۳۳/۱	۱۵	۶۰۶	۸	۷۸۵/۷	۸	۶۵۵/۵	۱۰
کردستان	۱۲	۵۶۲/۸	۱۲	۶۰۷/۶	۱۲	۶۲۱/۱	۱۲	۵۸۶/۳	۱۹	۵۹۴/۴	۱۶
کرمان	۱۷	۴۶۲/۹	۸	۶۵۳/۹	۱۰	۶۳۹	۱۰	۶۰۴/۲	۱۰	۶۲۳/۹	۱۴
کرمانشاه	۶	۶۴۴/۴	۱۵	۵۷۲/۵	۹	۶۷۳/۵	۱۱	۶۶۷/۵	۱۶	۶۴۶/۸	۱۱
کهگیلویه	۲۲	۳۷۱/۶	۲۲	۵۵۰/۳	۱۸	۵۱۰	۱۴	۶۱۴/۶	۲۳	۵۰۴/۷	۲۲
گلستان	-	-	۶	۶۹۱/۸	۶	۷۵۵/۸	۳	۹۱۷/۶	۲	۸۴۶/۹	۴
گیلان	۱	۱۰۰۹	۱	۱۰۴۳/۹	۱	۱۰۹۷/۵	۱	۱۱۴۱/۷	۱	۱۰۹۳۷	۱
لرستان	۹	۶۲۵/۴	۱۶	۵۷۲/۳	۱۸	۵۴۹/۴	۲۱	۵۳۳/۸	۲۰	۵۷۶/۵	۱۷
مازندران	-	-	۴	۷۴۶/۶	۵	۷۶۳/۹	۵	۸۱۶/۳	۷	۸۰۳	۶
مرکزی	۱۳	۵۵۹/۸	۱۳	۵۸۲/۸	۱۳	۶۱۱/۱	۱۵	۶۶۰/۷/۷	۱۲	۶۸۸/۲	۱۵
هرمزگان	۲۳	۳۳۴/۶	۲۶	۳۶۸/۹	۲۵	۴۵۱	۲۴	۴۸۴/۹	۲۶	۴۰۵/۳	۲۵
همدان	۱۱	۵۶۹/۹	۱۴	۵۸۲/۳	۱۷	۵۵۰/۱	۱۹	۵۸۲/۸	۱۷	۵۳۴/۳	۱۹
یزد	۲۰	۴۲۹/۷	۲۰	۴۸۸/۷	۱۹	۵۲۰/۱	۱۷	۶۰۱/۳	۱۱	۵۵۳/۵	۱۸

این اطلاعات نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۶ استان گیلان با شاخص ۱۰۰۹ پرونده به ازای صدهزار نفر جمعیت رتبه اول را در کشور دارد. در حالی که در همین سال میانگین

شاخص کشور ۵۴۴ پرونده بوده است که می‌توان گفت شاخص جرائم خشن در استان گیلان تقریباً دوبرابر میانگین شاخص کشور است. استان ایلام با ۸۴۹/۶ پرونده به ازای صد هزار نفر جمعیت رتبه دوم را دارد. رتبه سوم، چهارم و پنجم به ترتیب به استان‌های سمنان (۷۹۸/۶ پرونده)، اردبیل (۶۹۹/۲ پرونده) و خراسان (۶۷۷/۵ پرونده) اختصاص دارد. در سال ۱۳۷۷ نیز میانگین شاخص جرائم خشن در کشور ۵۷۰/۸ پرونده به ازای صد هزار نفر جمعیت است که استان گیلان مثل سال قبل رتبه اول را با ۱۰۴۳/۹ پرونده به خود اختصاص داده است. استان سمنان که در سال قبل رتبه سوم را داشته، به رتبه دوم در سال ۱۳۷۷ با شاخص ۸۴۹/۵ رسیده است. بعد از استان‌های گیلان و سمنان استان‌های اردبیل با ۷۹۳/۱ پرونده به ازای صد هزار نفر جمعیت، مازندران با ۷۴۶/۶ پرونده و ایلام با ۷۱۹/۸ پرونده قرار دارند. در سال ۱۳۷۸ میانگین شاخص جرائم خشن در کشور ۵۹۶/۷ پرونده به ازای صد هزار نفر بوده است. در این سال نیز استان‌های گیلان با ۱۱۴۱/۷ پرونده رتبه اول را داشته است. استان‌های اردبیل، سمنان، ایلام و مازندران به ترتیب رتبه‌های بعدی را دارند. میانگین شاخص جرائم خشن در کشور در سال ۱۳۷۹ به ازای صد هزار نفر جمعیت ۶۷۰ پرونده بوده که استان گیلان همچون سال‌های گذشته با شاخص ۱۱۴۱/۷ رتبه اول را دارا بوده است. رتبه‌های دوم تا پنجم با شاخص‌های ۱۰۲۱/۵، ۹۱۷/۶، ۸۵۷/۸ و ۸۱۶/۳ به استان‌های اردبیل، گلستان، سمنان و مازندران اختصاص دارد. در سال ۱۳۸۰ نیز میانگین شاخص جرائم خشن در کشور به ازای صد هزار نفر جمعیت ۷۵۵/۴ پرونده بوده است که رتبه اول کشور در این سال نیز همچون سال‌های قبل به استان‌های گیلان با ۱۱۷۶/۶ پرونده تعلق دارد. استان‌های گلستان و تهران به ترتیب با ۱۰۲۲/۵ و ۱۰۰۰/۷ پرونده رتبه‌های دوم و سوم را دارند. رتبه‌های چهارم و پنجم در این سال نیز به استان‌های سمنان و چهارمحال و بختیاری تعلق دارد.

به طور کلی، میانگین پرونده‌های مختومه در زمینه جرائم خشن از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که استان گیلان با بیشترین میزان جرائم خشن (۱۰۹۳/۷ مورد در هر صد هزار جمعیت) رتبه اول را به خود اختصاص داده و پس از آن استان‌های سمنان (۸۵۹ پرونده)، اردبیل (۸۵۳/۴ پرونده)، گلستان (۸۴۶/۹ پرونده)، ایلام (۸۰۵/۳ پرونده) در رتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. کمترین میزان پرونده‌های مختومه در زمینه جرائم خشن به ترتیب به استان‌های سیستان و بلوچستان (۲۵۹)، بوشهر (۳۶۹/۷ پرونده)، قزوین (۳۷۷/۸ پرونده)، هرمزگان (۴۰۵/۳ پرونده) و زنجان (۴۹۱ پرونده) مربوط می‌شود.

یافته‌های تبیینی: در این پژوهش همه فرضیه‌ها (اصلی و فرعی) به وسیله ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن^۱ مورد آزمون واقع شده است (جدول ۵ و ۶) و در تفسیر نتایج سطح معناداری لحاظ نشده است.^۲

آزمون فرضیه‌های اصلی

در فرضیه اول سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها با دو نوع متفاوت شاخص جرائم خشن (۱) براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی و ۲) براساس پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی کشور) در رابطه گذاشته شدند. ضرایب به دست آمده (پیرسون ۰/۳۰ و ۰/۳۹ و اسپیرمن ۰/۲۶ و ۰/۳۰) بیان‌کننده این نکته است که بین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها ارتباط ضعیف و مثبتی وجود دارد. به عبارتی، با بالا رفتن سطح توسعه‌یافتگی نه تنها از میزان جرائم خشن کاسته نمی‌شود، بلکه بر میزان این جرائم خشن به طور جزئی افزوده می‌شود.

در فرضیه دوم ابعاد توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها (توسعه بهداشتی، توسعه آموزشی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی، توسعه شاخص‌های منتخب) با دو نوع متفاوت شاخص جرائم خشن در رابطه گذاشته شدند. ضرایب به دست آمده در هر دو نوع شاخص جرائم خشن بیان‌کننده این است که بین همه ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها با میزان جرائم خشن رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد؛ هرچند این رابطه ضعیف است. در ضمن، در هر دو نوع شاخص جرائم خشن بیشترین رابطه با بعد آموزشی و فرهنگی است و کمترین رابطه با بعد صنعتی توسعه است.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت براساس ضرایب به دست آمده احتمالاً دلیل وجود رابطه ضعیف و مثبت بین سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها با دو نوع متفاوت شاخص جرائم خشن در فرضیه اول و ابعاد توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها (توسعه بهداشتی، توسعه آموزشی و فرهنگی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی و توسعه شاخص‌های منتخب) با دو نوع متفاوت شاخص‌های جرائم خشن در فرضیه دوم آن است که در مراحل اولیه

۱. چون متغیرها از نوع فاصله‌ای است از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است اما از بعدی دیگر چون تعداد داده‌ها کم است، توصیه شده که از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شود، بنابراین در این تحقیق از هر دو نوع ضریب همبستگی در آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است.

۲. «سطح معناداری» در تفسیر نتایج این پژوهش لحاظ نشده است؛ زیرا در این پژوهش نمونه‌گیری صورت نگرفته و کل جامعه آماری (۲۸ استان) مطالعه شده است.

توسعه، به دلیل تضعیف سنت‌ها و قواعد عرفی عدم جایگزینی آن‌ها با قواعد و قوانین دوره مدرن، جامعه با نوعی اختلال و به هم ریختگی ناشی از دوره گذار (بر اثر اجرای برنامه‌های توسعه) روبه‌رو می‌شود که این وضع تا تشبیت ویژگی‌های مدرنیت، چه در سطح کلان و نهادهای مختلف و چه در سطح خرد (نظام شخصیتی)، ادامه خواهد یافت. افزایش میزان جرائم خشن حتی با وجود افزایش سطح توسعه می‌تواند به همین دلیل باشد.

آزمون فرضیه‌های فرعی

در فرضیه اول سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان قتل‌ها در بین استان‌ها در رابطه گذاشته شدند. ضرایب همبستگی به دست آمده (پیرسون و اسپیرمن 0.50^*) نشان‌دهنده این است که با افزایش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها، از میزان قتل کاسته می‌شود؛ از این رو، فرضیه تأیید می‌شود.

در فرضیه دوم بین توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی و میزان ضرب و جرح در بین استان‌ها رابطه مثبت و ضعیفی (ضریب همبستگی پیرسون 0.30^* و ضریب همبستگی اسپیرمن 0.27^*) وجود داشت. بنابراین، با افزایش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها به میزان ضرب و جرح افزوده شد. از این رو، فرضیه رد شد.

در فرضیه سوم بین توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی و میزان نزاع دسته‌جمعی در بین استان‌ها رابطه مثبت و ضعیفی (ضریب همبستگی پیرسون 0.21^* و ضریب همبستگی اسپیرمن 0.20^*) وجود داشت. بنابراین با افزایش سطح توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی بر میزان نزاع‌های دسته‌جمعی افزوده شد. از این رو، فرضیه سوم که قائل به رابطه معکوس بین سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها با میزان نزاع‌های دسته‌جمعی است، رد شد.

در فرضیه چهارم در بین ابعاد توسعه‌یافتگی اقتصادی - اجتماعی استان‌ها، فقط توسعه پزشکی با میزان قتل رابطه مثبت و ضعیفی داشته است، در حالی که بین سایر ابعاد توسعه‌یافتگی و قتل رابطه منفی وجود دارد. در میان ابعاد توسعه‌یافتگی بیشترین رابطه معکوس را توسعه زیربنایی با قتل دارد (ضریب همبستگی پیرسون 0.58^* ، ضریب همبستگی اسپیرمن 0.54^*) و بعد از آن، به ترتیب، توسعه صنعتی (ضریب همبستگی پیرسون 0.52^* ، ضریب همبستگی اسپیرمن 0.49^*)، توسعه شاخص‌های منتخب (ضریب همبستگی پیرسون 0.46^* ، ضریب همبستگی اسپیرمن 0.32^*) و توسعه آموزشی و فرهنگی (ضریب همبستگی پیرسون 0.42^* ، ضریب همبستگی اسپیرمن 0.39^*) قرار دارد.

در فرضیه پنجم هیچ‌یک از ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (توسعه بهداشتی، توسعه آموزشی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی، توسعه شاخص‌های منتخب) با میزان ضرب و جرح در میان استان‌ها رابطه منفی نداشتند، بلکه با افزایش سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها در ابعاد فوق بر میزان ضرب و جرح نیز به صورت جزئی افزوده می‌شود. در بین ضرایب به دست آمده بیشترین رابطه ضرب و جرح با توسعه آموزشی و فرهنگی است و کمترین رابطه با توسعه صنعتی است.

در فرضیه ششم هیچ‌یک از ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی (توسعه بهداشتی، توسعه آموزشی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی، توسعه شاخص‌های منتخب) با میزان نزاع‌های دسته‌جمعی در بین استان‌ها رابطه منفی ندارند، بلکه با افزایش سطح توسعه‌یافتگی استان‌ها در ابعاد فوق بر میزان نزاع‌های دسته‌جمعی نیز به صورت جزئی افزوده می‌شود. در بین ضرایب به دست آمده بیشترین رابطه نزاع‌های دسته‌جمعی با توسعه شاخص‌های منتخب است و کمترین رابطه با توسعه زیربنایی است.

در فرضیه هفتم فرض شده بود که توسعه در بعد شاخص‌های منتخب، قوی‌ترین رابطه منفی را با جرائم خشن (ضرب و جرح و نزاع‌های دسته‌جمعی و قتل) دارد. اما براساس نتایج به دست آمده رابطه‌ای منفی بین توسعه‌یافتگی استان‌ها در بعد شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی با میزان جرائم خشن مشاهده نشد، ولی در میان جرائم خشن فقط قتل دارای رابطه‌ای منفی با شاخص‌های منتخب اقتصادی - اجتماعی بود (ضریب همبستگی پیرسون * $0/46$ -) که آن هم از جهت شدت همبستگی بعد از توسعه زیربنایی (ضریب همبستگی پیرسون * $0/58$ -) و توسعه صنعتی (ضریب همبستگی * $0/52$ -) قرار دارد.

جدول ۵. بررسی رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن با میزان جرائم خشن، قتل، ضرب و جرح و نزاع‌های دسته جمعی (براساس پرونده‌های تشکیل شده در نیروی انتظامی)

توسعه جرائم خشن	قتل		ضرب و جرح		نزاع‌های دسته جمعی		جرائم خشن	
	ضرب همبستگی	سطح معناداری	ضرب همبستگی	سطح معناداری	ضرب همبستگی	سطح معناداری	ضرب همبستگی	سطح معناداری
توسعه اقتصادی - اجتماعی	۰/۰۵۰**	۰/۰۰۷	۰/۲۷	۰/۱۷۲	۰/۲۰	۰/۲۹۷	۰/۳۰	۰/۱۷۶
توسعه بهداشتی	۰/۲۸	۰/۱۴۸	۰/۲۸	۰/۱۴۴	۰/۲۵	۰/۱۹۰	۰/۲۹	۰/۱۳۳
توسعه آموزشی و فرهنگی	۰/۰۴۲*	۰/۰۲۵	۰/۳۸*	۰/۰۴۶	۰/۱۷	۰/۳۹۰	۰/۳۸*	۰/۰۷۴
توسعه زیربنایی	۰/۰۵۸**	۰/۰۰۱	۰/۳۰	۰/۱۱۸	۰/۱۱	۰/۵۶۳	۰/۳۰	۰/۱۲۵
توسعه صنعتی	۰/۰۵۲**	۰/۰۰۵	۰/۱۰	۰/۶۲۴	۰/۱۷	۰/۳۷۷	۰/۱۰	۰/۰۶۰۸
توسعه شاخص‌های منتخب	۰/۰۴۶*	۰/۰۱۲	۰/۲۲	۰/۲۶۹	۰/۲۹	۰/۱۳۲	۰/۳۳	۰/۲۴۱
	۰/۰۳۲	۰/۰۹۵	۰/۲۲	۰/۳۵۱	۰/۱۹	۰/۳۲۰	۰/۲۲	۰/۲۶۹

** معنادار در سطح ۰/۰۱

* معنادار در سطح ۰/۰۵

جدول ۶. بررسی رابطه توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن با میزان جرائم خشن جمعی (براساس پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی)

توسعه جرم	جرائم خشن	
	نوع آزمون	ضرب همبستگی
توسعه اقتصادی - اجتماعی	پیرسون	۰/۳۹*
	اسپیرمن	۰/۳۰
توسعه بهداشتی	پیرسون	۰/۳۲
	اسپیرمن	۰/۳۳
توسعه آموزشی و فرهنگی	پیرسون	۰/۵۶**
	اسپیرمن	۰/۴۰*
توسعه زیربنایی	پیرسون	۰/۴۳*
	اسپیرمن	۰/۳۷
توسعه صنعتی	پیرسون	۰/۱۰
	اسپیرمن	۰/۱۰
توسعه شاخص‌های منتخب	پیرسون	۰/۲۰
	اسپیرمن	۰/۱۴

** - معنادار در سطح ۰/۰۱

* - معنادار در سطح ۰/۰۵

تحلیل رگرسیون چند متغیره ابعاد توسعه اقتصادی - اجتماعی با میزان قتل

از آنجا که توسعه آموزشی و فرهنگی، توسعه زیربنایی، توسعه صنعتی و توسعه شاخص‌های منتخب با میزان قتل همبستگی نسبتاً بالایی داشتند، وارد مدل رگرسیون چندمتغیره به شیوه توأم شدند. مقدار ضریب تعیین (R square) به دست آمده در رگرسیون چندمتغیره مذکور ۰/۳۴۳ بود. این مقدار نشان داد که ۳/۳۴ درصد تغییرات در میزان قتل ناشی از توسعه در ابعاد فرهنگی، صنعتی، زیربنایی و شاخص‌های منتخب است. همچنین براساس ضریب استاندارد بتای به دست آمده، توسعه زیربنایی با بتای ۰/۴۸۷- و سپس توسعه صنعتی با بتای ۰/۱۷۰- به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین قتل دارند (جدول ۷).

جدول ۷. ضریب رگرسیونی بین توسعه یافتگی استان‌ها و میزان قتل

متغیرهای وارد شده در مدل	ضریب استاندارد بتا	تی	معناداری
توسعه آموزشی و فرهنگی	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۶	۰/۹۹۵
توسعه زیربنایی	-۰/۴۸۷	-۱۰/۳۶	۰/۳۱۱
توسعه صنعتی	-۰/۱۷۰	-۰/۵۷۲	۰/۵۷۳
توسعه شاخص‌های منتخب	۰/۰۵۸	۰/۱۸۴	۰/۸۵۶

نتیجه‌گیری

همان‌طور که از نتایج تحقیق برمی‌آید، اکثر فرضیه‌های تحقیق رابطه مثبت و نسبتاً ضعیفی را بین توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن با میزان جرائم خشن در بین استان‌ها نشان می‌دهد و در نتیجه اکثر فرضیه‌های تحقیق رد می‌شوند. اما وقتی هرکدام از اجزای تشکیل‌دهنده شاخص جرائم خشن (قتل، ضرب و جرح، نزاع‌های دسته‌جمعی) را به تنهایی با توسعه اقتصادی اجتماعی و ابعاد آن در رابطه می‌گذاریم، مشاهده می‌شود که فقط قتل (که ۲/۲ درصد جرائم خشن را در برمی‌گیرد) با توسعه اقتصادی - اجتماعی و ابعاد آن رابطه معکوس دارد. به نظر می‌رسد نتایج فوق ناشی از عوامل زیر است:

۱. در قتل نسبت به سایر جرائم خشن آمار سیاه به حداقل می‌رسد و در نتیجه آمار آن به واقعیت نزدیک‌تر است.

۲. ۸۸/۱۳ درصد جرائم خشن (براساس پرونده‌های نیروی انتظامی) در این پژوهش به ضرب و جرح اختصاص دارد، در صورتی که همه ضرب و جرح‌ها را نمی‌توان جزئی از جرائم خشن محسوب کرد، زیرا ضرب و جرح به دو نوع عادی و شدید تقسیم می‌شود و می‌تواند از یک خراشیدگی ساده بر پوست تا شکستگی اعضای بدن را شامل شود. بنابراین، این شاخص

جرائم خشن که درصد عمده آن را ضرب و جرح دربرگرفته است، نمی‌تواند بیانگر دقیق و درستی از جرائم خشن باشد.

۳. در استان‌های کمتر توسعه‌یافته به دلیل حفظ ساختارهای سنتی قومی و قبیله‌ای، بسیاری از جرائم از جمله

ضرب و جرح‌ها و نزاع‌های دسته‌جمعی به صورت سنتی در خانواده‌ها و قبایل حل و فصل می‌شوند و در نتیجه منجر به تشکیل پرونده در نیروی انتظامی و دادگاه‌های کشور نمی‌شوند. بدین صورت، آمار رسمی جرایمی چون ضرب و جرح و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای فاصله زیادی با آمار واقعی می‌گیرد. در مقابل، در استان‌های توسعه‌یافته، همچون تهران، عادی‌ترین ضرب و جرحی به دلیل کم‌رنگ شدن نقش خانواده و قبیله در حل معضلات روزمره زندگی منجر به تشکیل پرونده در نیروی انتظامی و اقامه دعوی در دادگاه‌ها و به تبع آن، امکان پذیر شدن انجام پژوهش‌های علمی از یک سو و ارائه آمارهای مختلف از جرائم خشن می‌شود.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های انجام شده، از بین انواع جرائم خشن، سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی تنها با قتل رابطه معنی‌دار داشت و سایر انواع جرائم خشن از جمله ضرب و جرح و نزاع دسته‌جمعی با سطح توسعه رابطه معنادار نداشته‌اند. احتمالاً دلیل آن این است که در مناطق کمتر توسعه‌یافته، به دلیل بافت سنتی، مراجعه به مراجع قضایی و انتظامی صورت نمی‌گیرد و در نتیجه کمتر این نوع از دعاوی ثبت می‌شوند و از سوی دیگر، این نوع از جرایم توسط بزرگان و ریش‌سفیدان حل و فصل می‌شوند. اما در مورد قتل موضوع متفاوت است. مراجع قضایی و انتظامی به دلیل تأثیرات بسیار منفی فردی و اجتماعی قتل پیگیری و حساسیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. به علاوه، دیدگاه‌های نظری (دورکیم، مسنر، بلا و شوارتز) ارائه شده، به‌ویژه در چهارچوب نظری تحقیق و مطالعات تجربی ذکر شده در این پژوهش نیز پیامد اصلی نابرابری، به‌ویژه از بعد اقتصادی و اجتماعی، را خشونت انتشار می‌دانند که مهم‌ترین جلوه آن قتل و دگرگونی است. این پژوهش نیز تأییدکننده همین پدیده است که خود ناشی از چوله‌بودن توزیع منابع اصلی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) بر اثر سیاست‌های توسعه‌ای نامناسب در ایران است.

منابع

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۸) «رهیافت نظری ترکیبی در تبیین انحرافات اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، سال نهم، شماره ۳۲.

- پورا احمد، احمد و همکاران (۱۳۸۳) «بررسی روند تغییرات توسعه‌یافتگی استان‌های کشور (دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۶۵)، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، دوره جدید، شماره ۹: ۲۲-۳. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*، تهران: نی. حسینی، حاتم (۱۳۸۰) «رابطه مرگ‌ومیر و توسعه در استان‌های ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷: ۷۱-۹۶.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۷۹) «سنجش درجه توسعه‌یافتگی فرهنگی استان‌های ایران»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶: ۹۱-۱۰۴.
- محمودی، وحید و محمدعلی فیض‌پور (۱۳۷۶) «سنجش توسعه‌یافتگی استان‌های کشور»، *فصلنامه علمی-پژوهشی دانشور*، شماره ۱۷: ۱۰۷-۱۱۷.
- زاهدی، محمد جواد (۱۳۸۶) *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
- سخاوت، جعفر (۱۳۸۲) *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: دانشگاه پیام نور.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۷۶) «ناهمگونی‌های اقتصادی منطقه‌ای در ایران»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۲۲ - ۱۲۱: ۱۷۲ - ۱۸۲.
- صادقی، علی (۱۳۸۵) *آشنایی با نرم‌افزار تجزیه و تحلیل آماری SPSS.14*، تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۷) *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: سمت.
- قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی (۱۳۸۳) *تحلیل مقایسه‌ای سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور و تأثیر آن بر مهاجرت‌های داخلی در ایران (طرح پژوهشی بین دانشگاهی)*، دانشگاه تهران.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰) *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)*، تهران: خوشبین و انوردانش.
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷) *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*، تهران: فرهنگ صبا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- لیبی، محمدمهدی (۱۳۸۷) *جامعه‌شناسی جرائم خشن*، تهران: نقد افکار.
- مابوگونج، آ، ال و آر پی میسرا (۱۳۶۸) *توسعه منطقه‌ای، روش‌های نو*، ترجمه عباس مخبر، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور از سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰.

- مرکز آمار ایران، خلاصه آمارهای پایه‌ای استان‌ها از سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰.
- مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای روستایی سال ۱۳۷۶ و ۱۳۸۰.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۵) *انحرافات اجتماعی (نظریه‌ها و دیدگاه‌ها)*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی چلک، سیدحسن (۱۳۸۴) *مجموعه تحلیل‌های آماری مسائل اجتماعی ایران (۲)* «خشونت و سرقت»، تهران: شلاک.
- ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۶) *رویکردی نو در آسیب‌های اجتماعی از نگاه توسعه*، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی دانشگاه تهران.
- نوریخس، افروز (۱۳۸۵) *بررسی عوامل مؤثر بر تحول جرایم زنان در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت معلم تهران.
- ولزل، کریس و رونالد اینگلهارت، هانس - دیتراکلینگمان (۱۳۸۲) *توسعه انسانی: نظریه‌ای برای تغییر*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Arthur, J. A. and O. Marenin (1995) "Explaining Crime in Developing Countries: The Need for a Case Study Approach", *Crime, Law and Social Change*, 23: 191-214.
- Ayres, Robert L. (1998) *Crime and Violence as Development Issues in Latin America and the Caribbean*, Washington D.C.: World Bank.
- Boswell, Terry & William, I. Dixon (1993) "Marx's Theory of Rebellion: A Cross-National Analysis of Exploitation, Economic Development and Violent Revolt", *ASR*, 58: 681-702.
- Brookman, Fiona (2005) *Understanding Homicide*, London: Sage Publications.
- Duke, James T. (1976) *Conflict and Power in Social Life*, Utah: Brigham Yang University Press.
- Englander, Elizabeth Kandel (2008) *Understanding Violence*, London: Taylor & Francis e- Library.
- Kennedy, Leslie W. et al. (1991) "Homicide in Urban Canada: Tostong The Impact of Economic Inequality and Social Disorganization", *Canadian Journal of Sociology*, 16 (4): 397-410.
- Kerbo, Harold R. (1983) *Social Stratification and Inequality*, New York: McGrawHill.
- Lukes, Steven (1977){1973} *Emile Durkheim: His Life and Work*, Middlesex: Penguin.
- McLaughlin, Eugene & John Muncie (2001) *The Sage Dictionary of Criminology*, London: Sage Publications.

- McIlwaine, Cathy (1999) "Geography and Development: Violence and Crime as Development Issues", *Progress in Human Geography*, 23 (3): 453-463.
- Messner, Steven F. (1989) "Economic Discrimination and Social Homicide Rates: Further Evidence on The cost of Inequality", *ASR*, 54: 597-611.
- Moser, C., S. Lister, C. McIlwaine, E. Shrader, and A. Tornqvist (1999) "Violence in Olombia : Building Sustainable Peace and Social Capital", *Report No.18652-CO*, Environmentally and Socially Sustainable Development Sector Management Unit, WorldBank: Washington D.C.
- Patterson , E. (1991) "Poverty, Income Inequality and Community Crime Rates", *Criminology*. 29 (4) 755-776.
- Rubington, Earl & S. Martin Weinberg {eds.}(1987) *Deviance: The International Perspective*, 5th ed., New York: Macmilan.
- Rogers, J. D. (1989) "Theories of Crime and Development: A Historical Perspective", *Journal of Development Studies*. 25: 314-28.
- Townsend, Peter (1993) *The International Analysis of Poverty*, New York: Harvester Wheat Seal.
- Short, Jr., F. James (1997) *Poverty, Ethnicity, and Violent Crime*, NY: Westview Press.
- UNDP (1990) *United Nations Development Programme*, Published for UNDP.
- UNDP (1994) *Human Development Report*, Published for UNDP.
- World Bank (1988) *Targeted Programmes for The Poor during Structural Adjustment of a Symposiom on Poverty and Adjustment*, Aprill 1988, A World Bank Publication.
- Taylor Ian , Paul Walton, Jock Young (2003) *The new Criminology : For a Social Theory of Deviance*, London: Taylor & Francis e-Library.
- Wood, Alan (2005) *Corelating Violence and Socio-Economic Inequality: An Empirical Analysis*, Geneva: World Organist Torture.